



خردسانان

# روزنه

سال چهارم .

شماره ۲۰۱۵ ، پنجمین

۲۳ شهریور ۱۳۸۴

۲۵۰ تومان



# داستن

خردسالان

محله‌ی خردسالان ایران  
صاحب امتیاز: موسسه تبلیغ و نشر آثار امام (ره)

به نام فراوند بخشندۀی مهربان

- ۱۳ آرزوی بلندی
- ۱۷ خورشید داغ
- ۲۰ قصه‌ی حیوانات
- ۲۲ ایران
- ۲۴ کاردستی
- ۲۵ فرم اشتراک
- ۲۷ ترانه‌های آسمانی



کاردستی

فرم اشتراک

ترانه‌های آسمانی

۳

۴

۷

۸

۱۰

۱۱

۱۲

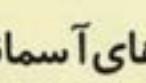


با من بیا

نقاشی

گرگم به هوا

جدول بازی



مدیر مستول: مهدی ارکانی

سرپریزان: افشار علا، مرجان کشاورزی آزاد

مدیر داخلی: مارال کشاورزی آزاد

تصویرگر: محمد حسین سلوانیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: حدیث صفوی‌ور

لیتوگرافی و چاپ: موسسه چاپ و نشر غرچ

امور مشترکین: محمد رضا اصغری

نتیجه‌گیری: نهران - خیابان انقلاب، چهارراه کلاچ، شماره ۹۶۲، نشر غرچ

تلفن: ۰۲۶۷-۲۲۲۷ و ۰۲۶۷-۲۸۲۲ و ۰۲۶۷-۲۲۲۷

پدر و هادر عزیز، مربی کرامی



این مجموعه ویژه‌ی خردسالان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تاریخی و سرگزیری، افزایش مهارت‌های عملی خردسالان از اهداف اصلی آن است. بریند، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطي کردن و هرگونه فعالیت پیش بینی شده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک نماید. اورا در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.



# بامن بیا ...

دوست من سلام.

من مورچه‌خوار هستم.

ما مورچه‌خوارها دندان نداریم ولی زبان دراز و چسبناکی داریم که  
با آن می‌توانیم مورچه‌ها و حشرات ریز را شکار کنیم و بخوریم.  
امروز پیش تو آمدہ‌ام تا با هم مجله‌ی دوست خردسالان را ورق  
بزنیم.

قول می‌دهم که زبان چسبناکم را بیرون نیاورم!  
من تماشا می‌کنم، تو ورق بزن!  
حالا با من بیا...





# امیر کبوتری کوچولو

فریبا کلهر

امیر کوچولو سه تا اسباب بازی کوکی داشت.  
اولی، یک قورباغه بود که وقتی کوکش می‌کرد، از جا می‌جهید.  
دومی، یک مار دراز و سبز بود که وقتی کوکش می‌کرد، روی زمین می‌خزید. سومی، یک خرس بود که وقتی کوکش می‌کرد، می‌دوید. یک شب، امیر کوچولو خواب دید قورباغه‌ی کوکی اش به جای جهیدن، روی زمین می‌خزد. مار کوکی اش پا درآورد  
بود و به جای خزیدن، می‌دوید. خرس کوکی اش هم به جای دویدن، از جا می‌جهید. صبح وقتی امیر کوچولو از خواب بیدار شد، قبل از هر کاری پیش اسباب بازی‌هاش رفت. به قورباغه گفت: «سلام قورباغه‌ی ماری!» به مار گفت: «سلام مار خرسی!»  
به خرس گفت: «سلام خرس قورباغه‌ای!» بعد، رفت صبحانه‌اش را بخورد. قورباغه به سر تا پای خودش نگاه کرد و از بقیه پرسید: «منظور امیر کوچولو چی بود؟ مگر من شکل مار شده‌ام؟»  
مار گفت: «مگر من شکل خرس شده‌ام؟» خرس گفت: «پس من چی بگویم؟ کجای من شکل و اندازه‌ی قورباغه است؟»  
آن شب، اسباب بازی‌ها خواب امیر کوچولو را دیدند. در خواب هر سه تای آن‌ها، امیر کوچولو بال درآورده بود و مثل کبوتر پرواز می‌کرد.  
صبح، وقتی امیر کوچولو از خواب بیدار شد پیش اسباب بازی‌هاش رفت.





قبل از این که به قورباغه‌ی ماری،  
مار خرسی و خرس قورباغه‌ای سلام کند،  
سه تا اسباب بازی کوکی به او گفتند:  
«سلام امیر کبوتری! حالت چه طور است؟»  
آن شب امیر کوچولو خواب دید که بال در آوارده  
است و مثل کبوتر پرواز می‌کند.  
اسباب بازی‌ها هم ایستاده بودند و او را نگاه می‌کردند.  
صبح وقتی امیر کوچولواز خواب بیدار شد،  
پیش اسباب بازی‌ها یش رفت و گفت:  
«سلام قورباغه‌ی ماری،  
سلام مار خرسی،  
سلام خرس قورباغه‌ای!»  
اسباب بازی‌ها خواستند به  
او بگویند: «سلام امیر کبوتری!»  
اما خود امیر کوچولو گفت:  
«من هم امیر کبوتری هستم!»  
بعد رفت صبحانه بخورد.  
اسباب بازی‌ها با تعجب از هم پرسیدند:  
«او از کجا فهمید ما چه اسمی روی او گذاشته‌ایم؟ نکند صدای ما را می‌شنود؟!»

# نقاشی

دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود.  
آن را رنگ کن.

۱ → ۲ → ۳ → ۴ → ۵ → ۶ → ۷ → ۸ → ۹ → ۱۰



# فرشته‌ها



پدریزرگ یک آلبوم دارد، پر از عکس‌.  
پدریزرگ آلبوم عکس‌هایش را خیلی دوست دارد.  
او می‌گوید: «عکس، یعنی خاطره. خاطره یعنی روزهای خوبی که باید هیچ وقت آن‌ها را فراموش کنیم.»  
ما در خانه‌مان یک قاب عکس داریم که عکس امام در آن است.

مادرم هر روز قاب عکس را پاک می‌کند و آن را دوباره سرجایش می‌گذارد.

من فکر می‌کنم عکس امام یعنی خاطره‌ای از روزهای خوبی که باید هیچ وقت آن را فراموش کنیم.





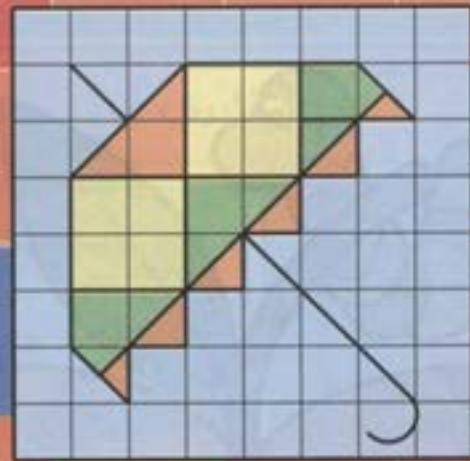
# تاریخ‌های خانه کرم بله

اسفانه شعبان نژاد

دس دس صدا من آد  
از توی گوچه‌ها من آد

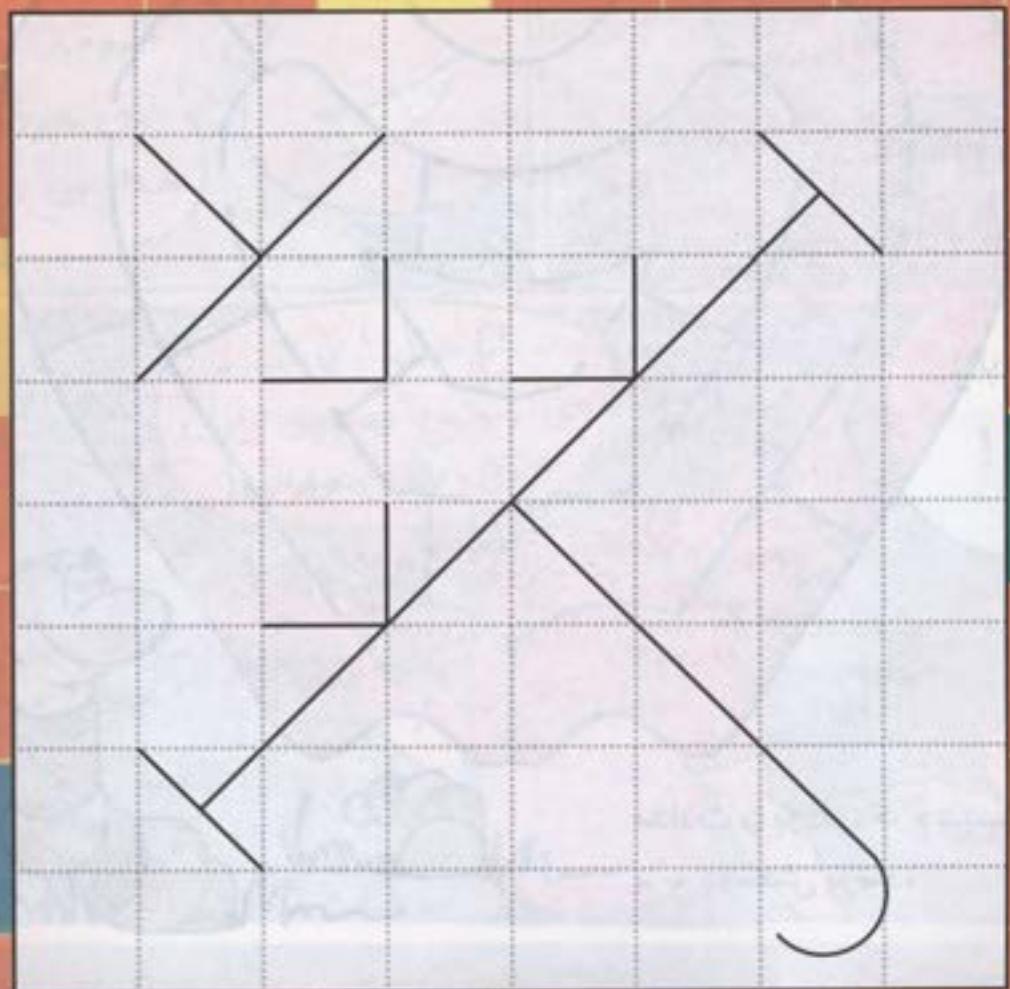
صدا، صدای بجه هاست  
بازی گرگم به هواست

« ببر پایین، ببر بالا  
گرگه من آد، همین حالا »



جدول

جدول را کامل و رنگ کن.



# بازی



مدادت را بردار، کرم سیب را راهنمایی کن

تابه دوستش برسد.

# آزموی بلندی !







چند دقیقه بعد ...

حاکا بیا  
نیفتی!

آخ جون ...!

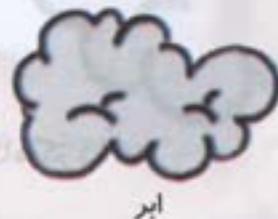
آره باباچی ...

اسیدم!





با سعرقی شخصیتهای  
داستان به کودک از او  
یخواهد در خواندن  
داستان شما را  
هرگاهی کند.



ابر



خورشید



مرغ دریابی



خرچنگ



دریا

# خورشید داغ

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود.

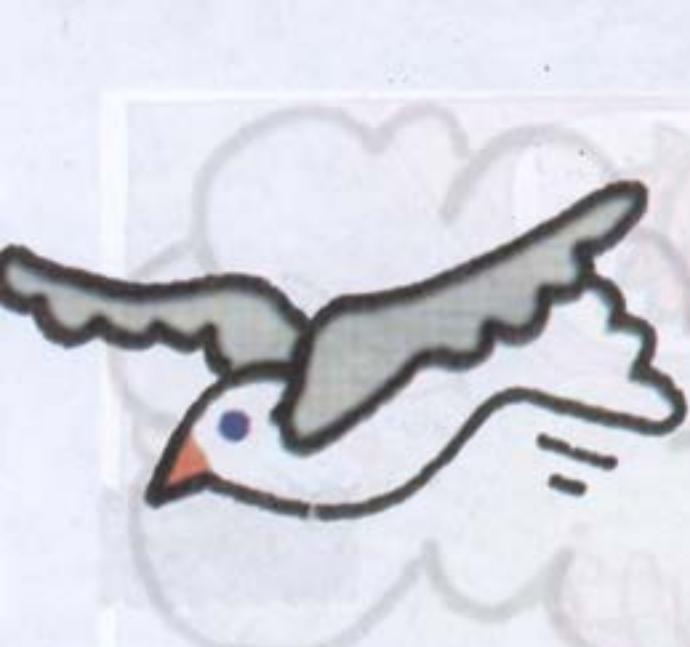
یک روز گرم تابستان وقتی که داغ داغ به دریا می‌تاشد، سرش را زیر شن‌ها فرو کرد و

شروع کرد به گریه کردن.

صدای گریه‌ی را شنید.

پایین آمد و پرسید: «چی شده؟ جان!»

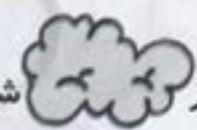
گفت: «نگاه کن! مگر نمی‌بینی که چه قدر داغ شده. اگر همین طور بتاخد، آب را خشک می‌کند.»



به آسمان نگاه کرد.



درست می گفت.



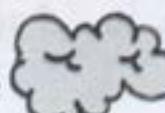
داغ داغ می تایید و آسمان پر از شده بود.



گفت: « ولی این که غصه ندارد. »



اشک هایش را پاک کرد و گفت: « خشک شدن غصه ندارد؟ »



خشک نمی شود. به آسمان نگاه کن! آسمان پر از شده.



بخار می شود و آب می تابد و آب گفت: «

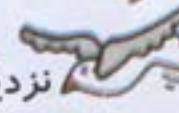


يعنى باران.



می رود. آن وقت  درست می شود.  هم باران می شود و دوباره به  
برمی کردد.»

 با خوش حالی به آسمان نگاه کرد.

 نزدیک یک  سفید پرواز می کرد.

همه چیز زیبا بود:

 و  خوش حال خوش حال.  



# قصه



۱) خانم معلم، بچه سیل‌ها را صدا زد تا همه دور هم  
جمع شدند.



۳) خانم معلم می‌خواست به بچه سیل‌ها شنا کردن  
زیر آب را یاد بدهد.



۲) اما بچه سیل دلش می‌خواست پیش مادرش بماند.

# حیوانات



۴) بچه‌ها، یکی یکی توی آب پریدند.



۶) و مثل بقیه،  
توی آب پرید.  
حالا هم خوش  
حال بود، هم شنا  
کردن زیر آب را  
یاد گرفته بود.



۵) بچه سیل وقتی صدای خنده‌ی دوستانش را شنید،  
به آن‌ها نزدیک شد...



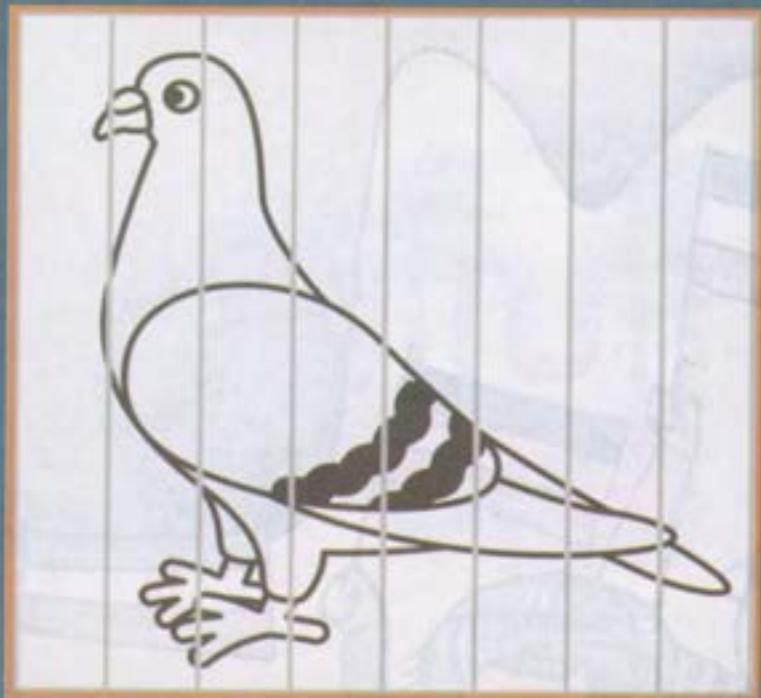
# ایران

ایران کشور من است،  
ایران، کوه دارد.  
ایران، دریا دارد.  
ایران، صحراء دارد.  
ایران، جنگل دارد.  
ایران، مرا دارد.  
ایران، خدا را دارد.  
ایران، همیشه سبز و آبی و زیبا می‌ماند.





# کاردستی



شکل‌ها را از روی خط نارنجی قیچی کن. آن‌ها را روی تصویر بالا، سر جایشان بچسبان.



# خردسالان

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۵

هرماه چهار شماره، هر شماره ۲۷۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۲۵۲ بانک صادرات شعبه‌ی انقلاب کد ۷۶  
به نام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه‌ی شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج.

فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله دوست خردسالان ارسال فرماید.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۴ ۱۰۱۱۸۷۵۰۰۰۰

قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز فرمایند.

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ بهایی، مقابل بیمارستان مهرگان، نایندگان چاب و نشر عروج تلفن: ۲۳۶۴۵۷۷

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه ارسال مجلات با شماره تلفن ۰۲۱-۶۶۷۰۶۸۳۳ (۰۲۱) در میان بگذارید.

## فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: / /

تحصیلات:

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره: تا شماره:

امضا:



» نشانی فرستنده:

جای تمبر

## نشر و توزیع

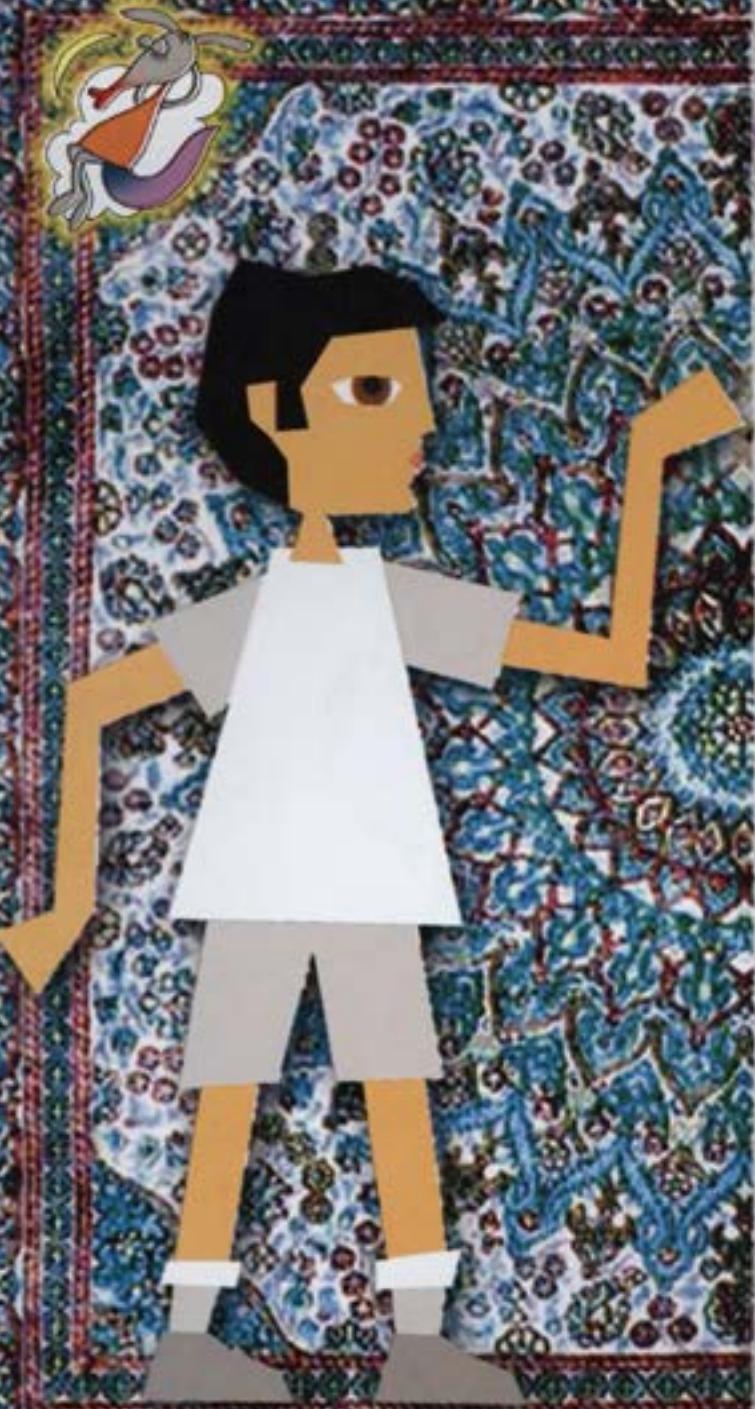
نشانی گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)  
شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان



# ترانه‌های آسمانی

مصطفی رحماندوست



گل دارم و بوته دارم  
قشنگ، قشنگ  
نرمم و گرم و مهریان  
رنگ و وارنگ  
فرشم و زیر پای تو  
گل‌های باغ خوشگلم  
همه و همه برای تو  
رو من که راه می‌ری پاهات می‌خندن  
شکر خدا که فرش زیر پاتم  
رو من که بازی می‌کنی  
عاشق خنده‌هاتم!

